



قابلیت سنجی تعمیم و به روزرسانی تفکرات معماری ویتروویوس بمنظور تأثیر بر مفاهیم معماری زمینه گرا، تاریخ گرا، بوم گرا، و کمینه گرا

حسین شموسی^۱، محمد علی کاظم زاده رائف^۲، صبا میردریگوندی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

۲- عضو هیأت علمی گروه مهندسی معماری مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

۳- استاد مدعو گروه مهندسی معماری مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان، اهواز، ایران

چکیده

در رساله‌ی ویتروویوس مفاهیم زیادی قابل دریافت است که در معماری معاصر مورد استفاده قرار گرفته اند، گویی برخی زمینه‌های معماری نوین، ریشه در نظریات وی در رساله‌ی ده کتاب دارند. سبک‌های معماری زمینه گرا، تاریخ گرا، بوم گرا و کمینه گرا با توجه به ارتباطی که با تاریخ، اقلیم و فناوری دارند، بصورت متعدد در چندین مبحث کتاب در باب معماری یاد شده‌اند. تأکید ویتروویوس بر لزوم الهام از طبیعت، احترام به خاستگاه و تاریخ، اشاره به فواید بهره‌گیری از مصالح بوم‌آورد و تکیه بر دانش، موجب می‌شود اندیشه‌های معماری اش به گرایش‌های مذکور پیوند یابد. براین اساس در این نوشتار با بررسی دیدگاه ویتروویوس و مطالعه شیوه‌های معماری زمینه گرا، تاریخ گرا، بوم گرا و کمینه گرا، سعی شده تا جایگاه اندیشه‌های وی در مفاهیم گرایش‌های معماری مذکور تحلیل گردد. در این مقاله از شیوه‌ی تحقیقی توصیفی تحلیلی بهره گرفته شده که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی اهواز و سایت‌های اینترنتی جهاد دانشگاهی، سیویلیکا و نشریه‌های مرتبط با موضوع انجام شده است.

کلمات کلیدی: ویتروویوس، معماری زمینه گرا، معماری بوم گرا، معماری کمینه گرا، معماری تاریخ گرا



۱. مقدمه

معماری نخستین ابزار ارتباطی ما با فضا و زمان است و به این ابعاد مقیاسی انسانی می‌بخشد. معماری فضای لایتهای و زمان بی انتها را برای همراه شدن، ساکن شدن و درک شدن توسط انسان تحت سلطه می‌گیرد. در نتیجه وابستگی متقابل فضا و زمان، دیالکتیک فضای درون و برون، مادی و معنوی، جسمانی و ذهنی و تقدم آگاهی و ناخودآگاهی در باب ادراکات حسی، همانند نقش‌های به هم وابسته و تأثیرات متقابل آن‌ها، تأثیر اساسی بر سرشت هنر و معماری دارد. (پلاسما، ۱۳۹۳) معمار به کمک فرم‌ها به طور مداوم در صدد برانگیختن احساس ماست در حالی که ارتباطی که او ایجاد می‌کند در ما تنها طنین مخالف بر می‌انگیزد. او می‌خواهد مقیاسی را بنمایاند که به وسیله آن باید نظام دنیا را سنجید. او می‌خواهد تغییرات روحی و قلبی ما را تعیین و از این طریق زیبایی را به ما تحمیل کند. (کورت گروتز، ۱۳۹۳) معماری نه تنها در واقعیت متصل به محیط است بلکه در دنیای خاطرات ما نیز چنین است. به این ترتیب روشن می‌شود که نقش محیط در ادراک معماری تا چه حد موثر است و چرا در نظر داشتن محیط هنگام طراحی یک ساختمان اجتناب ناپذیر است. ماریو بوتتا (Mario Botta) ارتباط بین ساختمان را با پیرامون خود چنین شرح می‌دهد: «هر اثر معماری محیط ویژه خود را دارد. به بیانی ساده‌تر، پیرامون این محیط ویژه را می‌توان بستر ساختمان نامید. ارتباط بین معماری و بستر آن ارتباطی نقش گرفته از یک تأثیرپذیری متقابل است. می‌توان گفت که این بستر و معماری آن در تماس دوجانبه و همیشگی هستند و همواره با هم تعامل دارند. (همان) معماری پاسخی خلاقانه ی حکیمانه به یک مسئله چند وجهی است و در طول تاریخ و عرض جغرافیا، معماران مختلف با سلاقی و عقاید مختلف، پاسخ‌های گوناگونی به مسأله‌های معماری داده‌اند. گاهی این پاسخ‌ها به دلیل نیازهای مشترک انسان‌ها و نیز قوانین ثابت طبیعت، دارای وجوه مشترک فراوانی در موضوع و بستر خود هستند؛ و گاه به دلیل تفاوت‌هایی که هر نسل از انسان‌ها در شرایط زمانی و مکانی و ... در بستر پروژه‌ها، مسأله‌های معماری دارای وجوه تمایز خاص خود نیز می‌باشند. بالطبع پاسخ به این مسئله‌ها نیز دارای وجوه اشتراک و افتراق خواهد بود. برخی پاسخ‌های معمارانه، گاهی به مرور زمان و طی تجربه تاریخی معماران به تدریج به چنان اقوام و پختگی می‌رسند که تبدیل به قوانین پایدار، سنت‌ها یا الگوهای قابل تداوم می‌شوند. کشف این الگوها و تفکیک آن‌ها از فرم‌ها و ظواهر معماری، نیازمند شناخت عمیق معماری است که خود مستلزم مطالعه درست و جامع تاریخ معماری می‌باشد. (نقره کار و همکاران، ۱۳۹۷) یک ساختمان منفرد در ابتدا به عنوان جزئی از کل محسوب می‌شود. هر ساختمان می‌تواند در تعامل با تاریخ، اعتقادات و نیازهای زمان و مکان، خاص باشد. در اینجا منظور از زمینه همان متن بستر و محیطی است که معماری در آن خلق می‌شود و محتوا و شکل را در بر می‌گیرد. هر پدیده بر محیط پیرامون خود تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌گیرد. بنابراین هر دو در تعامل با یکدیگر هستند. به طور کلی زمینه‌گرایی، سازگاری با زمینه‌های کالبدی، تاریخی و اجتماعی فرهنگی است. و به گفته مریل گینس در



سال ۱۹۸۰، زمینه در معماری تحت سه موضوع کلی، الگوهای فرمی، فعالیتی و اقلیمی دسته بندی می شود. (ده بزرگی و ولاد حسین، ۱۳۹۵)

سؤال تحقیق

جایگاه و تأثیر مفاهیم معماری ویتروویوس در کتاب در باب معماری در پیدایش سبک های معماری زمینه گرا، تاریخ گرا، بوم گرا و کمینه گرا چیست؟

۲. اندیشه های معماری ویتروویوس در کتاب در باب معماری

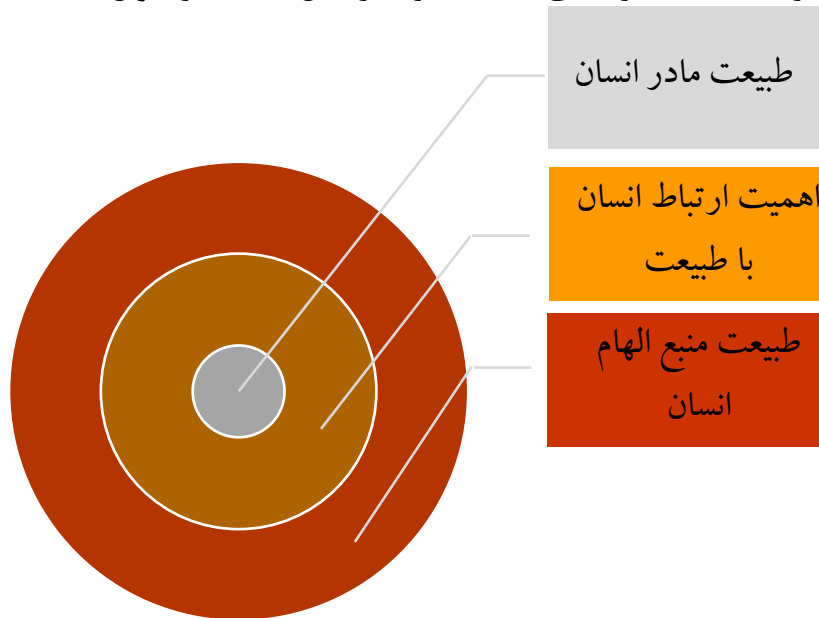
یکی از شگرف ترین باورهای نظریه معماری ناشی از نظریه «ویتروویوس» این بود که مبانی معماری و قوانین جهان هستی به گونه ای مشابه یکدیگرند. ترجمه آنچه که «ویتروویوس» بیان نموده به شرح زیر است: «نیاکان ما از طبیعت الگو می گرفتند و به واسطه تقلید آن ها از طریق حقیقتی خدایی راهنمایی می شدند. تمامی ماشین آلات ریشه در طبیعت دارند و مبتنی بر تعلیمات و ساختار تغییر و تحولاتی در افلاک، خورشید، ماه و پنج سیاره می باشند.» هر چند آنچه که در اینجا به آن اشاره شد مربوط به مهندسی است و نه معماری، «ویتروویوس» در جای دیگری اشاره کرده است که تمامی چنین نظامی «رشته همبستگی و رابطه مشترکی با هم دارند.» به یک ساختمان بعنوان مجموعه ای از اجزاء نگریسته می شد. همانطور که خود کائنات هم بعنوان مجموعه ای کلی از کلیه گونه های توصیف شده بود و خلقت هر یک مستلزم یک تطابق و تشابه ضروری با اصول ساده هندسی و تناسب بوده است. (کاپن، ۱۳۸۳)

آغاز خانه سازی و چگونگی آن را، می توانیم در بناهایی ببینیم که اکنون نیز قبایل خارجی از چنین مصالحی می سازند: مثلاً در گل، اسپانیا، پرتغال و آکیتاین، بام از توفال های بلوط یا کاه گل است. در میان کولخیس ها در پونتوس، آنجا که جنگل ها فراوانند، آنها درختان کامل را بر راست و چپ صاف روی خاک می گذارند، بین آن ها فضایی مناسب درازای درختان باقی می گذارند، و سپس روی آن ها جفت گیری از درختان را می گذارند، که بر انتهای قبلی ها و در زاویه قائمه با آن ها قرار گیرند، این چهار درخت فضای خانه را احاطه می کنند. پس روی این ها ترکه هایی از چوب می گذارند، یکی پس از دیگری بر چهار جانب، که یکدیگر را با زاویه قطع می کنند، و با ادامه دیوارهای درختی که عمود بر لایه زیرین قرار داده شده است، برج هایی بلند بر پا می دارند... از چنین نمونه هایی ما می توانیم با توجه به ابزاری که در ساختمان های قدیم به کار می رفت حدسیات خویش را تکمیل کنیم، و نتیجه بگیریم که آن ها متشابه بودند. به علاوه، همچنانکه انسان ها با افزایش مهارت هر روزه در ساخت پیشرفت می کردند و همچنانکه مهارتشان با زبردستی شان افزایش می یافت تا از عاداتشان به مهارت چشم گیر دست یافتند، ذکاوتشان در نتیجه تلاش شان افزوده شد تا ماهرترها کسب نجات را پیشه کردند. از این آغاز ابتدایی، و از این حقیقت که طبیعت نژاد بشر را نه فقط مانند سایر حیوانات حواس بخشیده است، بلکه ضمیر آن ها را با نیروی فکر و فهم آراسته است، و اسن سان دیگر حیوانات را تحت سلطه



آن ها قرار داده است، آن ها سپس به تدریج از ساخت بنا در دیگر هنرها و علوم پیشرفت کردند، و بعد از حالتی خشن و وحشی در زندگی به تمدن و ظرافت رسیدند. (ویتروویوس، ۱۳۹۱)

دیاگرام ۱: تأثیر طبیعت و محیط بر زندگی انسان (تا به امروز) بر اساس دیدگاه ویتروویوس



منبع: ویتروویوس، ۱۳۹۱، ۴۷-۱۱۶

همه ادوات از طبیعت اقتباس و بر اساس تعالیم و دستورات گردش فلک بنا نهاده شده‌اند. بگذارید درباره گردش مرتبط خورشید، ماه و پنج سیاره بیندیشیم، که بدون چرخش آن ها، با توجه به کار چرخ‌های ادوات، ما تغییر روز و شب، و نیز رسیدن میوه‌ها را نداشتیم. هنگامی که پیشینیان ما دیدند چنین است، نمونه‌های خویش را از طبیعت گرفتند و با تقلید از آن ها به حقایق ابدی هدایت شدند و اختراعاتی را کامل کردند که در زندگی ما چنین مفیدند. با هدف آسایش بیشتر، برخی چیزها را به وسیله ادوات و چرخش آن ها، کشف کردند دیگر چیزها را به وسیله خودکارها و غیره. سعی می‌کردند هرآنچه را برای تحقیقات، هنرها، و امور رایج مفید است قدم به قدم طبق اصول علمی بهبود بخشند. (همان)

۳. مبانی و مفاهیم در سبک‌های معماری زمینه گرا، تاریخ گرا، بوم گرا و کمینه گرا

یکی از رویکردها برای فهم سرشت حقیقی معماری این است که آن را به مثابه حرفه تعریف کنیم. ممکن است جبرگرایانه معطوف به حرفه معماری انگلیسی، سدریک پرایس را بپذیریم که: «معماری آن چیزی است که معماران می‌کنند.» تعریف حرفه یا عمل معماری ممکن است کاری ساده و تجربی به نظر آید. حتی اگر در تشخیص متعلقات یا محصولات معماری با مشکل مواجه باشیم، می‌توانیم هزاران معماری که در هزاران سال و سرتاسر دنیا مشغول انجام مجموعه‌ای از فعالیت‌ها بوده‌اند اشاره کنیم که معمولاً به عمل معماری مربوط بوده‌اند و ادعایی عمیقاً انفضالی از آنچه معماران انجام می‌دهند به دست دهیم. این رویکرد که ریشه در تجربه دارد، دارای سابقه‌ای طولانی است: ویتروویوس شرح هنجاری خود از فضایل معماری را بر مبنای آگاهی خویش از



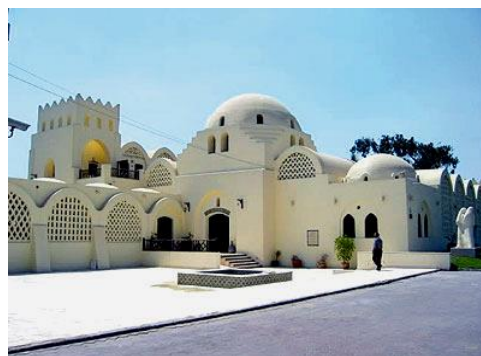
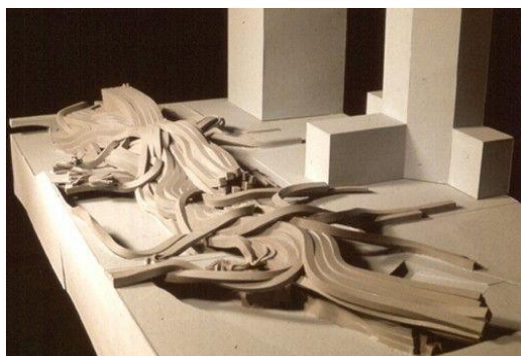
عمل معماری دوره معاصر با خودش تدوین کرد. همین امر برای سایر شروح سنتی از فضایل معماران یا سازندگان صادق است، نظیر ماناسارای هندی در قرن ششم تا هشتم (Acharya, 1928) و بینگزو فاشی چینی قرن یازدهم (Feng, 2012). در روزگار معاصر، جامعه شناسی حرفه معماری دیدگاه تجربی دقیقی را عرضه می کند. (Gutman, 1988) و این می تواند به جامعه شناسی دنیای معماری تعمیم داده شود که در جامعه شناسی دنیای هنر بکر مدل سازی شده است. (فیشر، ۱۳۹۹)

۳-۱. معماری زمینه گرا

نگرش یا مفهوم زمینه گرایی، از ابتدای تاریخ معماری وجود داشته است؛ اگر چه پدید آمدن واژه «زمینه گرایی» ، به دوره پس از تحولات مدرنیسم بر می گردد و در حوزه هایی از قبیل فلسفه، منطق، کلام، معرفت-شناسی، اخلاق، روان شناسی، جامعه شناسی و هنر، به طور جداگانه اما با یک تفکر واحد تعریف می شود. زمینه گرایی در معماری و شهرسازی نیز احترام، هماهنگی و سازگاری با زمینه و بستر در ابعاد مختلف آن مانند ابعاد کالبدی، بصری، محیطی، طبیعی، انسان ساخت، معنوی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی، هویتی و نظایر آن است... به نظر می رسد اساسی ترین پرسش برای دست یابی به مؤلفه های زمینه که بخش اصلی فرآیند معماری زمینه گرا را تشکیل می دهند این است که چه چیزهایی برای یک اثر معماری، زمینه محسوب می شده و به عبارت دقیق تر، ابعاد مختلف زمینه کدام هستند؟.. مجموعه شرایط و مختصات ویژه ای که معماری در آن ها ایجاد می شود و مختص آن معماری بوده و در زمره ویژگی های عمومی معماری جای نمی گیرند. در واقع، با توجه به تعریف زمینه، مفاهیم عام و عمومی در مبحث زمینه گرایی، به عنوان زمینه مطرح نشده، چون تمایز و تفاوتی در معماری های گوناگون ایجاد نمی کنند. (نقوی و کیانی، ۱۳۹۸) انتخاب زمینه گرایی در معماری نمی تواند یک برخورد تابع مد یا سبکی باشد. معماری معاصر امروز از برقراری تعامل سازنده با محیط پیرامون ناگزیر است و این برخورد نه تنها معماری را در شکل کالبد ظاهری بلکه در کارایی و نحوه عملکرد تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین نمی توان بازگشت به زمینه گرایی را تنها با اعتبار بخشی به ارزش هایی که برای سالیان متمادی در جریان های معماری مدرن فراموش شده بود، محقق ساخت چرا که در این غفلت تنها جریان های مدرن و سبک بین الملل مقصر نبوده اند، بلکه جریان های تاریخ گرای پست مدرن نیز که بازگشت به زمینه-گرایی را در حد ارتباطات درگیرند. این موضوعی است که برولین برنت، در سال ۱۹۸۰ میلادی در کتابی با عنوان «معماری در زمینه» به خوبی به آن اشاره کرد. (گنجی خیبری و همکاران، ۱۳۹۴) معماری زمینه گرا نه تمرکز بر تقلید است و نه مانعی برای نوآوری و خلاقیت، پیام آن در مورد لزوم رعایت محیط اسکلتی پیرامون است. (abedi & iravani, 2015) در زمینه گرایی، اجزای شکل شهر به تنهایی ارزیابی و مطالعه نمی شوند، بلکه در زمینه وسیع تر محیطی قرار می گیرند. یک اثر معماری با نظام بزرگ تر شهری مرتبط است و در سلسله مراتبی از مجموعه ها قرار دارد. بنابراین، زمینه گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه ای معین است. به



عبارت دیگر، زمینه جایی است که معماری و شهرسازی را به هم مربوط می‌سازد. گرایش شهرسازان به ساخت و ساز در مجموعه موجود به معنی در هم بافتن نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک کل زنده و مطلوب ایجاد کند. (تولایی، ۱۳۸۰)



شکل ۱- نمایی از مرکز صنایع دستی سنتی شهر فسطاط در مصر متناسب با عملکرد آن - منبع : cairo360.com
 شکل ۲- تصویر طرح نمادین از برج سپرز شیکاگو که به شیوه فولدینگ در جهت ایجاد تناسب فرم با زمینه توسط گرگ لین ارائه شده - منبع : raadstone.com

۳-۲. معماری تاریخ‌گرا

اصطلاح «تاریخ‌گرایی» برای تشریح نگاهی به کار می‌رود که به بیان فیلسوفان و تاریخ‌نگاران مختلف، مبتنی است بر اینکه تصمیمات و استدلال‌های انسان، تعیینی تاریخی دارند. برای متفکران عصر روشنگری، تاریخ مشکلی نیز با خود به همراه دارد. اگر جهان را به شکلی کامل و خردگرایانه بتوان به واسطه فرآیندهای فیزیکی (همچون فعل و انفعالات تصادفی بین اتم‌ها)، تشریح کرد، آنگاه این مسئله را باید به تفکر انسان نیز تعمیم داد. توجه به تاریخ منجر می‌شود تا تاریخ‌گرایی به عنوان یک فرایند قابل ادراک و تجزیه تحلیل شونده ظاهر گردد. مفهومی که به گونه‌ای خاص اما بسیار جدی و پر نفوذ در فلسفه هگل طرح روشن و تأثیرگذار خود را یافت و با روایت‌های خاص و گوناگون در مکاتب فلسفی بعدی استمرار یافت. (متین و جزءپیری، ۱۳۹۹) در سال ۱۷۵۳ میلادی مارک آنتوان لوژییه «جستاری در باب معماری» را منتشر کرد و در آن خواستار بازگشت به فرم‌های آغازین معماری شد. این ذهنیتی بود آکنده از خردگرایی عصر روشنگری، و با جریان کلاسیک (که هیچ‌گاه، حتی در دوره‌ی سبک‌های نایب السلطنه‌ی فرانسه و روکوکو، برای مدت طولانی در هنر فرانسه غایب نبود) ارتباط نزدیک داشت. در فرانسه بازگشت به فرم‌های کلاسیک‌تر، مؤید پایان باروک و گرایش به یک



سبک واحد ملی بود. تندوری‌های روکوکو در برابر زیبایی و سادگی دوران باستان نفی می‌شد... آنژ ژاک گابریل، معمار دربار بود که افول نهایی و قطعی عناصر روکوکو را رقم زد و به جای آن، خود را به خلوص و صلابت اطمینان بخش فرم، خویشتن داری و میانه‌روی سپرد. گابریل ضمن همسو کردن ایدئولوژی دربار فرانسه با مواضع فیلسوفان عصر روشنگری، قواعد بنیادین سبک رسمی ملی را به وجود آورد. (پرینا و دمارتینی، ۱۳۹۲)



شکل ۳- نمایی از ساختمان پارلمان در شهر لندن - منبع: britainmag.com

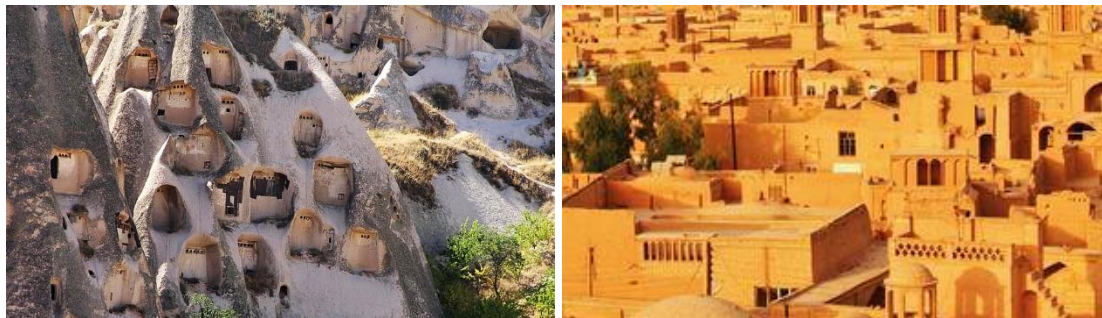
شکل ۴- تصویر مسجد تاریخی چاملیجا اردوغان ترکیه - منبع: istanbulturkytravel.com

۳-۳. معماری بوم گرا

برخی نویسندگان به معماری بومی، به عنوان معماری که توسط مهاجران و غیر بومیان طراحی و ساخته می‌شوند و نه افراد بومی اشاره می‌کند. اگرچه در آمریکا اصطلاح معماری مردمی رایج است اما در جای دیگر صفاتی از جمله دهاتی و روستایی به طور وسیعی به کار برده می‌شوند. معماری بومی یعنی مجموعه واحدهای معماری- شهری که در سرزمین گردهم آمده و با هماهنگی‌هایی که در زمینه شکل، در زمینه حجم گذاری یا کاربردی، رنگ آمیزی و آهنگ سطوح پروخالی و همچنین در زمینه مصالح و نظام‌های ساختمانی در آن‌ها پایدار است. این هماهنگی مبتنی بر ضابطه‌ها و رسوم و سلیقه‌های زاده از فرهنگ محیطی، رفتار محیطی است. معماری از جمله دانش‌های ساخت و ساز اطلاق می‌شود. معماری بومی منعکس کننده هویت فردی، محیطی، تاریخی و فرهنگی موجود است و همچنین معماری بومی اکنون حوزه‌ای است که اغلب بربر و طایفه و فرهنگ مردمی و عامیانه و سنتی دلالت دارد. امروزه معماری بومی به عنوان ظرف و میدانی از گذشتگان تلقی می‌شود، میراث مردمانی که آموزش معماری ندیده‌اند و به آفرینش معماری می‌پرداختند. (کاوه بوکانی و قاسمی، ؟) معماری بومی یا محلی می‌تواند به هر نوع معماری که به یک مکان خاص تعلق داشته باشد، اطلاق شود. این نوع معماری می‌تواند ساختمان‌های روستایی یا شهری را در برگیرد. معماری بومی که بر مبنای رویکرد تجربی به جای رویکرد علمی شکل گرفته، جواب گوی نیازهای مردم در ارتباط با عوامل طبیعی و خواسته‌های مادی و معنوی آن‌ها است؛ چرا که با مشارکت آنان زاده شده و از زندگی روزمره آن‌ها الهام گرفته و بدین ترتیب به زمان خود تعلق دارد. معماری بومی به دور از خودنمایی و برون آرای استقراری می‌یابد



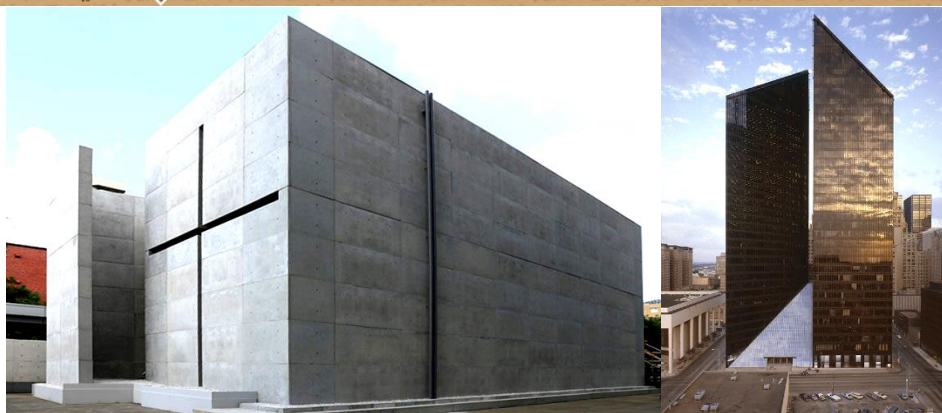
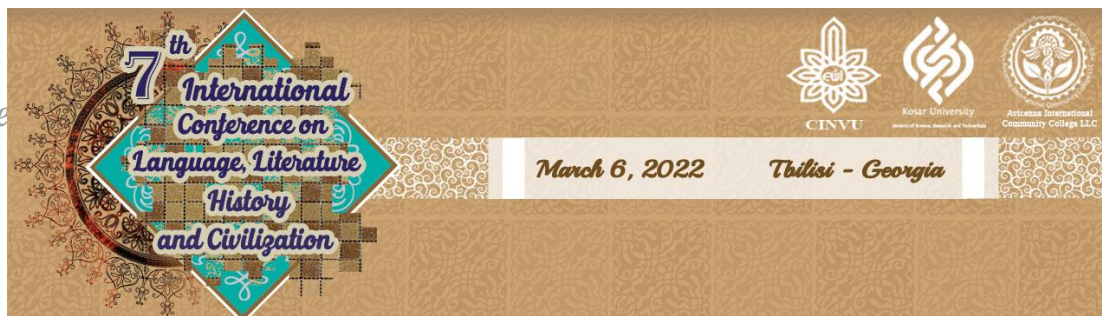
و بدون دارا بودن سبک و به دور از فرم و مدل خاص، ویژگی بدیهه ساز بودن را حفظ کرده است. (نقوی و کیانی، ۱۳۹۸)



شکل ۵- تصویر بافت قدیم شهر یزد که به شیوه بومی اجرا شده - منبع: Britannica.com
شکل ۶- تصویر منطقه (روستای) کاپادوکیه در ترکیه نمونه بارز معماری بوم گرا - منبع: pikist.com

۳-۴. معماری کمینه گرا (مینیمال)

کمینه گرایی (مینیمالیسم)، حلقه‌ای از زنجیره سبک هاست، هم به خودی خود شخصیتی مستقل داشته و هم در سیر مطالعه تحولات سبک‌ها قابل بررسی است. آنچه به عنوان کمترین حرف در رابطه با کمینه گرایی می‌توان گفت، آن است که؛ یعنی خلوص، وحدت و پرهیز از گفتن چند سخن به طور همزمان. هنرمند کمینه گرا برای گفتن یک حرف بیشترین زحمت را می‌کشد تا آن را آنقدر زیبا بیان کند که کم کاری و بی معنایی از نتیجه زحمت برداشت نشود. وقتی کمینه گرایی در فضا و عملکردها رسوخ می‌کند، انبوهی از معانی و مفاهیم را به همراه می‌آورد و آنچه برای طراح در درجه اول اهمیت قرار دارد ابراز این معانی و به کارگیری آن هاست که در اولین برخورد با معماری کمینه گرا فهمیده شوند یا دست کم سؤالاتی را در ذهن ایجاد کنند. چرا معماری کمینه گرا با طبیعت عجین است؟ چرا در فضاهای کمینه گرا حضور زمان نقشی ندارد؟ و اینکه یک فضای کمینه گرا برای آنکه یک فضای معماری محسوب شود، نیازمند چه چیزهایی است؟ در معماری کمینه گرا، گاهی حجمی از هوا نیز جزئی ا مصالح است، در واقع آفریدن با اضافه کردن و نه طراحی با کم کردن. در متنی که هیچ چیز وجود ندارد شما می‌خواهید با قرار دادن عناصر معماری فضا خلق کند. با چنین نگاهی اولین چیزی که در پیش دارید متن سفید رو به روی شماست که در معماری می‌شود حجم هوا. از مبلمان اندک مناشی از کمینه گرایی، پیچیدگی فضا شکل می‌گیرد. فضاها حد و مرز معینی ندارند و یک سیال جاری تمام فضاها ارتباط کلی فضاها را با هم بر عهده دارد. (دانش منفرد، ۱۳۸۴)



شکل ۷- کلیسای نور با طراحی تادائو آندو (۱۹۸۹) واقع در شهر ایبایکی ایالت اوزاکا به سبک مینیمال - منبع: civil808.com

شکل ۸- برج های دوقلوی پنزاویل (۱۹۷۰) هیوستون تگزاس اثر فلیپ جانسون طراحی شده به سبک مینیمال - منبع: raadstone.com:

۴. قابلیت به روزرسانی مفاهیم تفکرات معماری ویتروویوس با تأکید بر تأثیر سبک‌های معماری زمینه‌ای، تاریخی، بومی و کمینه

در مطالعه معماری عصر حاضر باید بینیم چگونه عصر ما در یکی از مظاهر خود، معماری، تجسم یافته است. برای فهم این نکته باید دراییم معماری عصر حاضر چه عواملی را از گذشته به میراث برده است. باید از دانشی که به دوام در دوره‌های گذشته نشو و نما یافته آگاه شویم. در این بررسی لازم نیست دوره‌های گذشته را از آغاز تا انجام مطالعه کنیم. (گیدین، ۱۳۹۹) اصول ویتروویوس که اساس بسیاری از نظریه‌های معماری است نمایانگر تمایل به ایجاد پیوند میان زیبایی و سودمندی است از این رو نظریه زیبایی کارکردی بر این مطلب صحنه می‌گذارد که ملاحظات زیبایی و اخلاقی در معماری با یکدیگر پیوند دارند. منسوب است که به فیلسوف مکتب سقراط آریستپوس که، کشتی‌اش شکسته و در ساحل رودسی‌ها افتاده بود، اشکالی هندسی را ترسیم شده بر آن ساحل دید و با صدای بلند به همراهانش گفت: «بیایید شادمانی کنیم، زیرا من نشان‌هایی از انسان می‌بینم.» با این سخن وی به سوی شهر رودس روان شد و مستقیم به ورزشگاه رفت. آنجا درباره فلسفه بحث کرد و هدایایی به او ارزانی شد، به طوری که توانست ضروریات زندگی خود و همراهانش را تأمین کند. آن‌گاه که همراهان وی عزم کردند به سرزمینشان باز گردند، از وی پرسیدند ما چه پیغامی به وطن ببریم، به آنان گفت بگوئید: کودکان بی ثروتی آراسته شوند که حتی بتوانند در هنگام غرق کشتی با آن‌ها شنا کنند. به راستی تکیه‌گاه‌های حقیقی زندگی عقل و دانش هستند، که نه تند باد مخالف سرنوشت، نه انقلاب سیاسی و نه ویرانی‌های جنگ نمی‌توانند به آن آسیبی رسانند. تئوفراسطوس، که عقیده‌ای مشابه دارد، اصرار می‌ورزد که مردان به جای اعتماد به پول، دانش کسب کنند. (ویتروویوس، ۱۳۹۱) انتخاب زمینه‌گرایی در معماری نمی‌تواند یک برخورد تابع مد یا سبکی باشد. معماری معاصر امروز از برقراری تعامل سازنده با محیط پیرامون ناگزیر



است و این برخورد نه تنها معماری را در شکل کالبد ظاهری بلکه در کارایی و نحوه عملکرد تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین نمی‌توان بازگشت به زمینه‌گرایی را تنها با اعتبار بخشی به ارزش‌هایی که برای سالیان متمادی در جریان‌های معماری مدرن فراموش شده بود، محقق ساخت. (گنجی خیبری و همکاران، ۱۳۹۴)

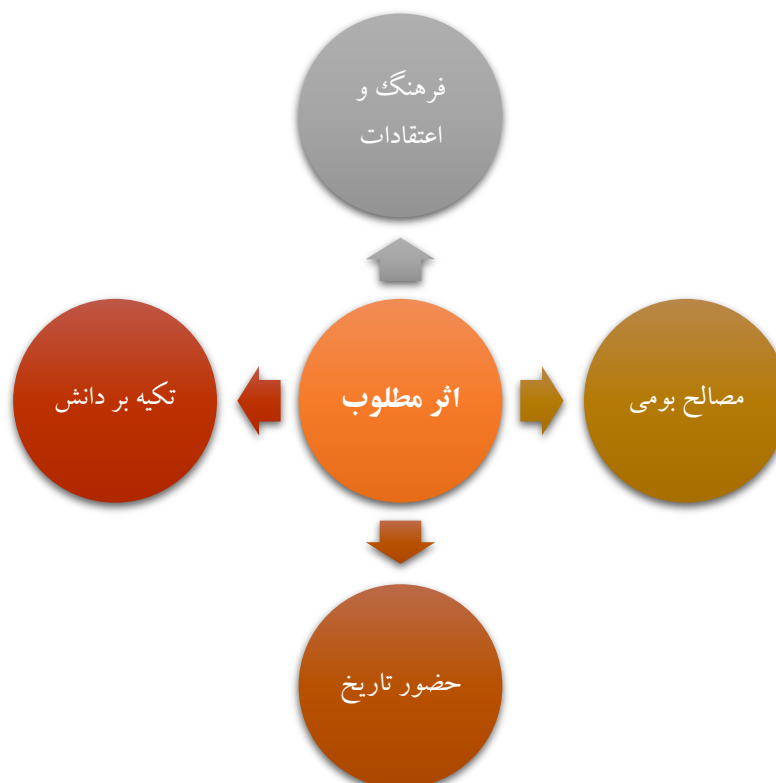
پیش از همه طالس فکر کرد که آب ماده اولیه همه چیز است. هرقلیطوس از افسوس که یونانیان به وی به علت ایهام نوشته‌هایش لقب skoteinoj داده بودند، تصور کرد که آتش است. ذیمقراطیس و پیرو او ابی‌قورس فکر کردند که اتم است، که نویسندگان ما آن را اجسامی که نمی‌توان خرد کرد می‌نامند، یا به گفته برخی بخش ناپذیرها. مکتب فیثاغورثیان باد و خاک را به آب و آتش افزود... بنا براین به نظر می‌رسد همه چیز از جمع آمدن این عناصر ساخته و درست شده‌اند، که به دست طبیعت بین انواع لایتهای ای از اشیا پخش شده‌اند، از این رو، من بر این عقیده‌ام که درست است از تنوع و خصوصیات علمی اینها بحث کنم، همچنین از نقشی که در ساختمان دارند تا کسانی که مایل‌اند بسازند آن‌ها را بشناسند و اشتباهی نکنند، بلکه مصالحی را گرد آورند که برای استفاده در ساختمان‌هایشان مناسب است. (ویتروویوس، ۱۳۹۱) بر اساس اندیشه‌های ویتروویوس انسان‌های پیشین مانند حیوانات وحشی، در جنگل‌ها، غارها و بیشه‌ها به دنیا می‌آمدند، و با خوراک وحشیان زندگی می‌گذراند. همچنانکه زمان به جلو می‌رفت، درختان پرپشت انبوه در مکانی خاص، در جنبش از توفان‌ها و بادهای، شاخه‌هایشان اصطکاک پیدا کرد و آتش گرفتند، بنابراین ساکنان آنجا، وحشت زده از حریق بزرگ، ناگزیر از فرار شدند... بنابراین کشف آتش بود که سبب گرد آمدن آدمیان، و مجلس شور و مبادله اجتماعی شد. بعد از آنکه در یک مکان تعداد بیشتری گردهم آمدند، دیدند طبیعت به آنها نعمتی بیش از سایر حیوانات بخشیده است که ناچار نیستند با صورت‌هایشان رو به زمین راه بروند، بلکه راست ایستاده‌اند و بر شکوه آسمان پرستاره چشم دوخته‌اند، و نیز این که قادرند با دستان و انگشتان خویش به راحتی هر آنچه را می‌خواهند انجام دهند، آن‌ها در آن مجلس اولین، آغاز به ساخت سرپناه کردند... و چون طبیعتی مقلد و آموزنده داشتند، هر روز نتایج ساختمان خویش را به یکدیگر می‌گفتند، به بدعت‌های آن فخر می‌کردند، و با استعداد طبیعی خویش که با رقابت تقویت شده بود، معیارهایشان هر روز بهتر شد. (ویتروویوس، ۱۳۹۱)



جمع بندی و نتیجه گیری

اگر نیاز باشد که مضامین و یادداشت‌های ویتروویوس در رساله‌ی ایشان خلاصه شوند، می‌توان آنها را در عبارت «احترام» خلاصه کرد. ارزش نهادن به گذشته و ادامه راه اندیشه‌های مفید، احترام به طبیعت و الهام از آن در جهت بهره‌گیری از منابع (نعمت‌های) موجود در آن، و بهره‌گیری از عقل و خرد خویش، مواردی به شمار می‌روند که در اصل عملکرد در آن‌ها، احترام به شمار می‌رود. بهره‌گیری از حداقل امکانات و یا به عبارتی تأکید به ضروریات بنا در معماری می‌تواند به گونه‌ای ابراز واقعیت‌های نیاز در بنا باشد، استفاده از مصالح بوم آوردن نه تنها به لحاظ اقلیمی و صرفه جویی در انرژی در بنا عملکرد بالایی دارد، بلکه از جهتی دیگر هویت بنا و منطقه را نیز تعریف می‌کند. با عنایت به عوامل اساسی مورد نیاز برای رسیدن به یک اثر معماری مطلوب از دید ویتروویوس در کتاب در باب معماری که فرهنگ و اعتقادات، حضور تاریخ، مصالح بومی و تکیه بر دانش است به ترتیب و توأم با هم قابلیت تأثیر در پیدایش سبک‌های معماری معاصر نظیر زمینه‌گرایی، تاریخ‌گرایی، بوم‌گرایی و کمینه‌گرایی را داشته‌اند.

دیاگرام : عوامل اساسی مورد نیاز برای رسیدن به یک اثر معماری مطلوب از دید ویتروویوس





منابع

- ۱- پالاسما، یوهانی، چشمان پوست معماری و ادراکات حسی، ترجمه؛ قدس، رامین، ویرایش؛ اکبری، ع، انتشارات پرهام نقش، چاپ چهارم، ۱۳۹۳
- ۲- کورت، گروت، یورگ، زیبایی شناسی در معماری، ترجمه: پاکزاد. ج، همایون، عبدالرضا، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۳
- ۳- نقره کار، س، زارعی حاجی آبادی، ف و محمد گنجی، ف و دانایی نیا، ا، خواندن معماری؛ چیستی، چرایی و چگونگی در جستجوی مدلی برای آشنایی با تاریخ معماری ایران و نقش آن در سپهر معماری، نشریه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، سال چهارم، شماره اول، ۱۳۹۷
- ۴- ده بزرگی، م و ولاد حسین، آ، زمینه گرایی و منطقه گرایی ضروریاتی در معماری و شهرسازی، پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، ۱۳۹۵
- ۵- کاپن، دیوید اسمیت، مبانی نظری معماری (۱)، ترجمه: یاران، ع، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۳
- ۶- ویتروویوس، پولیو، ده کتاب معماری، ترجمه: فیاض، ر، انتشارات دانشکده هنر، معاونت پژوهشی، تهران، ۱۳۹۱
- ۷- نقوی، پ و کیانی، م، تبیین رابطه بومی و زمینه گرایی، فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران، سال نهم، شماره هجدهم، ۱۳۹۸
- ۸- گنجی خیری، ا و دیبا، د و شاهچراغی، آ، تبعیت فرم از داده: معماری زمینه گرا در عصر دیجیتال، نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۱۳۹۴، صص ۶۳-۸۲
- 9- Abedi, S & Iravani, H, Analysis of The Contextual Architecture and Its Effect on The Structure of The Residential Places in Dardasht Neighborhood of Isfahan, Special Issue on New Trends in Architecture, Civil Engineering. And Urban Studies, Vol. 3, No. 3, 2015
- ۱۰- تولایی، ن، زمینه گرایی در شهرسازی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰، ۱۳۸۰، صص ۳۴-۴۳
- ۱۱- متین، م و جزءپیری، ع، واکاوی تاریخ گرایی در کتب تألیفی دهه ۸۰ ه.ش حوزه معماری معاصر ایران، نشریه هویت شهر، شماره ۴۳، سال چهاردهم، ۱۳۹۹، صص ۱۰۳-۱۲۲
- ۱۲- دانش منفرد، ابراهیم، زیباشهر، پنجشنبه ۱۴ مهر، ۱۳۸۴، ۳۸۱۸
- ۱۳- کاوه بوکانی، پ و قاسمی، ک، معماری بومی، ارزش ها و کاربردهای آن، اولین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، تهران
- ۱۴- گنجی خیری، ا و دیبا، د و شاهچراغی، آ، تبعیت فرم از داده: زمینه گرا در عصر دیجیتال، نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۱۳۹۴، صص ۶۳-۸۲